تامرلان کامبولوف

اوسِت‌ها در گذر تاریخ

ترجمه: موسی عبداللهی

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

ویراستار علمی ترجمه فارسی: مهدی حسینی تقی‌آباد

سخنی از نویسنده کتاب برای ترجمه فارسی این اثر:

امیدوارم مطالعه کتاب حاضر به خوانندگان ایرانی کمک کند تا شناخت بیشتری از تاریخ و فرهنگ اوستها به‌دست آورند. ملتی نزدیک به ایرانیان اما کم‌تر شناخته‌شده در ایران، ملتی که در متون علمی از آنها با نام «ایرانیان اروپا» یاد می‌شود. بسیار امیدوارم که این اثر علمی بتواند علاقه پژوهشگران ایرانی را برای انجام طرح‌ها و مطالعات تطبیقی در حوزه میراث فرهنگی ملت‌های ایران و اوستیا برانگیزد، دو ملتی که از منظر تاریخی به یک گروه فرهنگی ـ زبانی تعلق دارند.

تامرلان کامبولوف
ولادی‌قفقاز
بهار ۱۳۹۸

تامرلان کامبولوف

اوسِت‌ها در گذر تاریخ

ترجمه: موسی عبداللهی

ویراستار علمی ترجمه فارسی: مهدی حسینی تقی‌آباد

بنیاد مطالعات قفقاز

SEM

نگارستان اندیشه

تهران ـ ۱۳۹۸

سرشناسه: کامبولوف، تامرلان تیمورازوویچ. Kambolov, Tamerlan Taĭmurazovich
عنوان و نام پدیدآور: اوست‌ها در گذر تاریخ/ تامرلان کامبولوف؛ ترجمه موسی عبداللهی؛ [برای] بنیاد مطالعات قفقاز. تهران: نگارستان اندیشه ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص. مصور (رنگی).
شابک: 978-622-6607-00-1
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: آسی‌ها Ossetes
شناسه افزوده: عبداللهی، موسی، ۱۳۶۴ - مترجم. حسینی تقی‌آباد، سیدمهدی، ۱۳۵۹ - مقدمه‌نویس و ویراستار علمی. بنیاد مطالعات قفقاز. (باهمکاری) انتشارات سِم (SEM) روسیه.
رده‌دیوئی: ۹۴۷/۹۷- رده‌بندی کنگره ۱۳۹۸ ۲ک۵آ / DK ۳۴
شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۹۸۳۸۷

اوست‌ها در گذر تاریخ

تألیف: **تامرلان تیمورازوویچ کامبولوف**
مترجم: **موسی عبداللهی**
مقدمه و ویراستاری علمی: **سیدمهدی حسینی تقی‌آباد**
ناشر: نگارستان اندیشه، با همکاری انتشارات سِم (SEM) روسیه
صفحه‌آرا: مرتضی انصاف‌منش
چاپ: نخست، ۱۳۹۸/ ۲۰۱۹
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: نسیم

ناشر: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹، واحد۷
تلفن: ۶۶۴۳۵۴۲۳ - ۶۶۴۳۵۴۱۶ نمابر: ۶۶۹۷۸۸۸۱
www.cins.ir – info@cins.ir

دیباچه ویراستار علمی ترجمه فارسی

در ۲۱ آذرماه ۱۳۹٦ همایش بین‌المللی کاربردی ایران ـ قفقاز شمالی «تاریخ و چشم‌اندازهای همکاری» در دانشگاه دولتی اوستیای شمالی با حضور شماری از مسئولان، اساتید دانشگاه، پژوهشگران، تجار و سرمایه‌گذاران ایرانی و روسیه‌ای در شهر ولادی‌قفقاز، پایتخت جمهوری خودمختار اوستیای شمالی فدراسیون روسیه برگزار شد. شهری که در ۱۷۸٤ بنا شده است و از زمان تأسیس تا تثبیت قدرت بلشویک‌ها در روسیه، یاد و نشان پررنگی در منابع تاریخی ایران دارد. شهری که در مسیر آمد و رفت ایرانیان به روسیه در راه تفلیس به روستوف و از آنجا به مسکو و سن‌پترزبورگ قرار داشته و یکی از سکونت‌گاه‌های اتباع ایرانی ساکن در روسیه تزاری بوده است. البته اهمیت ولادی‌قفقاز و اوستیا دلایل دیگری نیز دارد و آن تبار و هویت و خودآگاهی قومی «اوست‌ها» است. آنان خود را «ایرونی» می‌نامند و خویشاوند ایرانیان می‌دانند و بر تبار سکایی خویش واقف‌اند و بدان افتخار می‌کنند. پیشینه‌ی مردم اوستیا به چند قرن قبل از میلاد مسیح می‌رسد، مردمی که تبار به آلان‌ها (سده اول میلادی) و از آلان‌ها به سرمت‌ها (سده چهارم تا یکم پیش از میلاد) و سکاها (سده هشتم و هفتم پیش از میلاد) می‌برند و به زبانی از خانواده زبان‌های ایرانی سخن می‌گویند و از معدود گویش‌وران به یک زبان زنده سکایی در عصر حاضر هستند. زبان‌هایی که روزگاری گستره گویش‌وران آنها سرزمین‌های وسیعی از استپ‌های آسیای داخلی و ولگای میانی تا اروپای شرقی را در بر می‌گرفت. «اوست‌ها» از زمره مردمانی هستند که در طول تاریخ خود علاوه بر کامیابی‌ها و افتخارات پرشمار، تجارب دشوار و تلخ فراوانی را نیز از سر گذرانده‌اند و سکونت‌گاه‌های‌شان در شماری از بزرگ‌ترین تهاجم‌های تاریخ از جمله هجوم هون‌ها در سده چهارم میلادی و هجوم مغولان در سده سیزدهم میلادی و هجوم تیمور در سده چهاردهم میلادی دستخوش ویرانی‌های عظیم شده است.

سکونت‌گاه کنونی «اوست‌ها» بر بلندای کوهستان بزرگ قفقاز در دو سوی گذرگاه دریال نمادی از تاریخی است که بر آنها گذشته است؛ مردمی که در نتیجه قرار گرفتن در معرض تهاجم‌های مستمر، سکونت‌گاه‌های‌شان از دشت‌ها و کوهپایه‌ها به ارتفاعات عقب نشسته است و در حال حاضر نماینده تاریخی هستند که یادگارهایی کهن را به همراه دارد. خوشبختانه پژوهش‌های بسیار ارزشمند و معتبری درباره تاریخ و زبان «اوست‌ها» انجام شده است که در رأس آنها دستاوردهای مرحوم پروفسور واسیلی ایوانویچ آبایف مورد ارجاع و استفاده پژوهشگران قرار دارد. از آثار دانشمندان متأخر اوستیایی به‌ویژه در ارتباط با مؤلفه ایران، باید از آثار جناب پروفسور البروس ساتسایف تقدیر کرد. در ایران نیز ۵۰ سال پیش کتاب مهمی با عنوان «درباره زبان آسی» توسط مرحوم دکتر محسن ابوالقاسمی استاد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران به نگارش درآمد که اثری ماندگار است. مرحوم پروفسور عنایت‌الله رضا نیز در موضوع تاریخ «اوست‌ها» مقالات ارزشمندی را نوشته و منتشر کرده است و برخی دیگر از پژوهشگران ایرانی نظیر رقیه بهزادی، حبیب برجیان، سیدمحمدعلی شریعتی و حامد کاظم‌زاده نیز آثار خوبی برای معرفی «اوست‌ها» و تاریخ آنها به جامعه ایران منتشر کرده‌اند. اینها نشانگر این واقعیت است که جامعه علمی ایران نسبت به هم‌تباران خویش در کوهستان قفقاز بی‌توجه و فراموش‌کار نبوده است.

با این‌حال در زبان فارسی اثری که به قلم یک دانشمند اوستیایی به نگارش درآمده باشد و به‌صورت علمی و مختصر حیات و تاریخ مردم «اوست» از دیرباز تاکنون را به مخاطب ایرانی ارائه دهد و در عین حال نمایشی از خودآگاهی هویتی «اوست‌ها» به قلم خود ایشان باشد در دسترس نبوده است. زمینه‌ی تحقق این مهم در حاشیه همایش بین‌المللی ایران ـ قفقاز شمالی «تاریخ و چشم‌اندازهای همکاری» فراهم شد؛ آنجا که جناب آقای دکتر مهدی سنایی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه، کتاب «اوست‌ها در گذر تاریخ» و نویسنده آن جناب آقای دکتر تامرلان کامبولوف را به اینجانب معرفی کردند و به من پیشنهاد کردند که زمینه ترجمه و انتشار این کتاب ارزشمند را در ایران فراهم آورم. من نیز در پاسخ به جناب آقای دکتر سنایی و نویسنده کتاب، جناب آقای دکتر کامبولوف، عرض کردم که تلاش‌ام را در جهت ترجمه و انتشار این اثر در ایران خواهم کرد. اثری که در آن تاریخ «اوست‌ها» از دیرباز تا امروز به‌صورتی مستند و علمی و به شیوایی برای مخاطبان عرضه شده است و اهتمام ارزشمند این مردم برای حفظ هویت خویش در چارچوب کشورشان، فدراسیون روسیه نیز به نمایش گذاشته شده است و در عین حال رد پای «اوست‌ها» در سراسر دنیا نیز به خوبی و با جذابیت دنبال شده است. خوشبختانه دوست و همکارم در بنیاد مطالعات قفقاز، جناب آقای دکتر موسی عبداللهی

که ایشـــان نیز در همایش بین‌المللی ایران ـ قفقاز شـــمالی «تاریخ و چشـــم‌اندازهای همکاری» حضور داشتند و یک دوره فرصت مطالعاتی یک‌ماهه را نیز در اوستیای شمالی تجربه کرده‌اند و در زمینه فولکلور و فرهنگ اوستیا نیز پژوهش‌هایی انجام داده‌اند و در عین حال از شاخص‌ترین مترجمان جوان زبان روسی در ایران و استادیار گروه زبان روسی دانشگاه علامه طباطبائی هستند، زحمت ترجمه این اثر را بر عهده گرفته و اقدام به ترجمه این کتاب ارزشمند کردند و برگردانی روان و دقیق از این اثر به فارسی عرضه کردند.

در این کتاب اصطلاح «Сре́дняя А́зия» که اشـــاره به جغرافیای ترکمنســـتان، ازبکستان، قزاقســـتان، قرقیزســـتان و تاجیکســـتان دارد، «آســـیای مرکزی» ترجمه شـــده است و اصطلاح «Центра́льная А́зия» که شـــامل، مغولستان و پهنه‌ی وسیعی از بخش‌های آسیایی روسیه در جنوب تایگا، شمال‌غرب چین (سُین‌کیانگ، تبت، مغولستان داخلی، چینگ‌های، غرب سیچوآن، شمال گانســـو)، و کشورهای قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ترکمنستان می‌شود، «آسیای داخلی» ترجمه شده است.

در این‌جا ضمن تشکر از همه‌ی ایرانیان و اوست‌هایی که در سال‌های گذشته و اکنون در راه ارتقای همکاری‌های علمی و فرهنگی میان ایران و جمهوری اوســـتیای شمالی فدراسیون روسیه تلاش کرده‌اند، آرزو می‌کنم که انتشـــار آثاری از این دســـت زمینه‌ساز ارتقای شناخت و آگاهی در خدمت روابط دوســـتانه و همکاری‌های فزاینده بین ایران و فدراسیون روسیه شود و اوستیای شـــمالی به‌منزله یکی از دروازه‌های روســـیه برای افزایش همکاری‌ها و ارتباطات با ایران و یکی از کانون‌های فعال مناسبات دو کشور ایفای نقش کند و این نقش‌آفرینی به افزایش بیش از پیش اهمیت راهبردی اوستیا در مجموعه جمهوری‌های فدراسیون روسیه یاری رساند.

در پایان مراتب قدردانی صمیمانه خویش را از مدیرمســـئول انتشـــارات نگارســـتان اندیشه، جنـــاب آقای دکتر صـــادق حیدری‌نیا که در چارچـــوب علایق ژرف فرهنگی و ایران‌دوســـتی خویـــش زمینه‌ســـاز انتشـــار این اثر به زبان فارســـی شـــدند ابـــراز مـــی‌دارم و از جناب آقای مرتضـــی انصاف‌منش که زحمت صفحه‌آرایـــی و اجرای رایانه‌ای این اثـــر را بر عهده گرفتند، بی‌نهایت سپاسگزاری می‌کنم.

مهدی حسینی تقی‌آباد

مدیرعامل بنیاد مطالعات قفقاز

بهار ۱۳۹۸

اوست‌ها باید با آگاهی از عمق ریشه‌های پرافتخار خود، همیشه سرافراز و خوشبخت باشند.

نیکلای ریریخ

اوســـت‌ها در دو طرف رشته‌کوه اصلی قفقاز که اوســـتیا را به دو قسمت تقسیم می‌کند، ســـاکن هســـتند. جمهوری اوستیای شمالی ـ آلانیا بخشـــی از فدراسیون روسیه است. بر اساس سرشماری سال ۲۰۱۰، جمعیت جمهوری اوستیای شمالی ـ آلانیا حدود ۷۱۲۹۸۰ نفر بوده که از این جمعیت ٤٥٩٦٨٨ نفر اوست بوده‌اند. جمعیت مرکز جمهوری اوستیای شـــمالی ـ آلانیا، ولادی‌قفقاز حدود ۳۲۰ هزار نفر اســـت. ترکیب این جمعیت بیشـــتر از اوســـت‌ها، روس‌ها و همچنین ارمنی‌ها، گرجی‌ها، یهودی‌هـــا، یونانی‌ها، اوکراینی‌ها و... تشکیل شده است. در جمهوری اوستیای جنوبی (مرکز ـ تسخینوالی) بر اساس اطلاعات سال ۲۰۱۲ حدود ٤٦ هزار نفر اوست (یا ۹۰ درصد ساکنان این جمهوری) زندگی می‌کنند.

نقشه جمهوری اوستیای شمالی ـ آلانیا (فدراسیون روسیه) و جمهوری اوستیای جنوبی ـ حکومت آلانیا

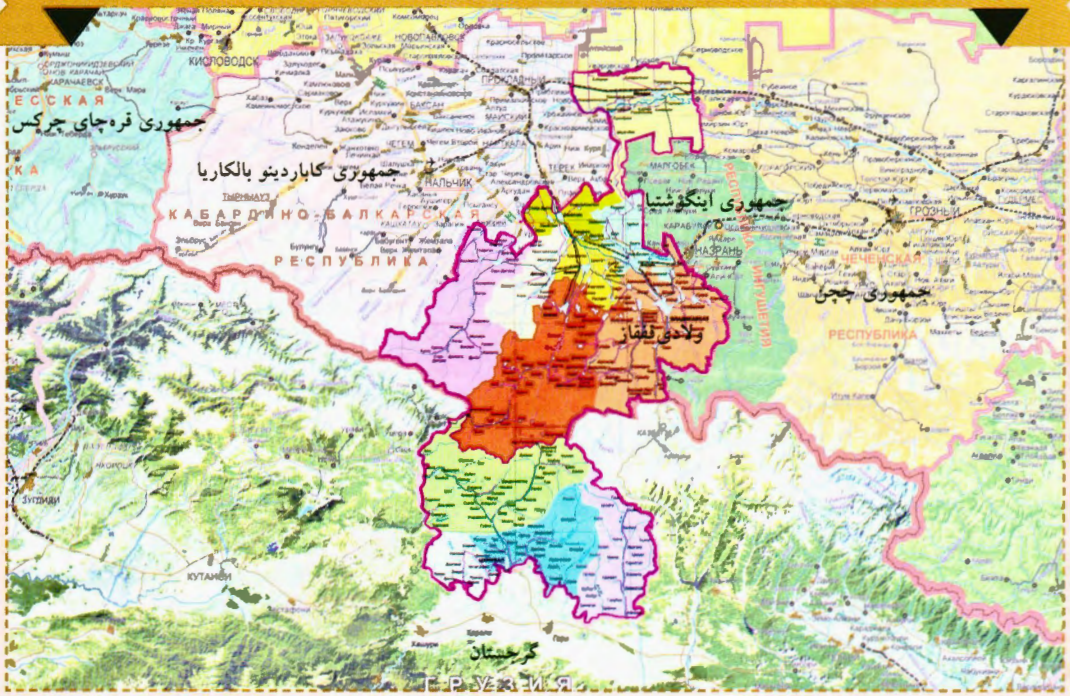

علاوه بر این، اوست‌ها در گروه‌هایی کوچک در کاباردینو ـ بالکاریا و قره‌چای ـ چرکس زندگی می‌کنند. شمار زیادی از اوست‌ها هم در شهرهای مختلف روسیه و کشورهای مشترک‌المنافع ساکن هستند (مسکو، سن‌پترزبورگ، دوشنبه، تاشکند و...). به صورت کلی، بر اساس نتایج سرشماری سال ۲۰۱۰، ۵۲۸۵۱۵ اوست در فدراسیون روسیه زندگی می‌کنند و ۴۵۱۴۳۱ نفر در فدراسیون روسیه به زبان اوستی مسلط هستند. شمار افراد مسلط به زبان اوستی در جمهوری اوستیای شمالی ۴۱۴۳۸۸ نفر است.

دیاسپورای اوستی (بازماندگان مهاجران قرن نوزدهم و بیستم میلادی) با شمارگان متفاوت در ترکیه، سوریه و برخی کشورهای اروپای غربی نیز وجود دارد. اوست‌ها بر اساس ویژگی‌های قومی ـ فرهنگی (اعتقادات ملی، رقص‌ها، موسیقی، ترانه‌ها، لباس سنتی و...) و در حالی‌که بخش بزرگی از مولفه‌های ایرانی ـ تاریخیِ فرهنگ معنوی خود را حفظ کرده‌اند، بخشی از جهان فرهنگی قفقازی محسوب می‌شوند.

در این کتاب به بررسی اصلی‌ترین وقایع مسیر تاریخی دور و دراز ملت اوست خواهیم پرداخت. برای درک سرچشمه‌های شکل‌گیری این ملت و مراحل توسعه آن، باید به عمق تاریخ تمدن بشری وارد شد. نباید بررسی را از قفقاز که در حال حاضر محل سکونت اوست‌ها است شروع کرد بلکه باید از خاورمیانه آغاز نمود. دقیقاً در منطقه خاورمیانه بود که هزاران سال قبل در دوران پیش از تاریخ، گروه‌های بزرگی از مهاجرین از قاره آفریقا یکی از بزرگ‌ترین نقاط زندگی و تجمع مردمی روی زمین را ایجاد کردند.

حدود یازده قرن پیش از میلاد مسیح، این اجتماع که در منابع علمی به نام «نوستراتیک» شناخته می‌شود، فروپاشید. بعد از آن گروه‌هایی از این اجتماع در مناطق نزدیک ساکن شدند. در مرحله بعد این گروه‌ها در مناطقی بسیار دورتر از محل اولیه خود سکنی گزیدند.

نقشه مهاجرت اقوام نوستراتیک

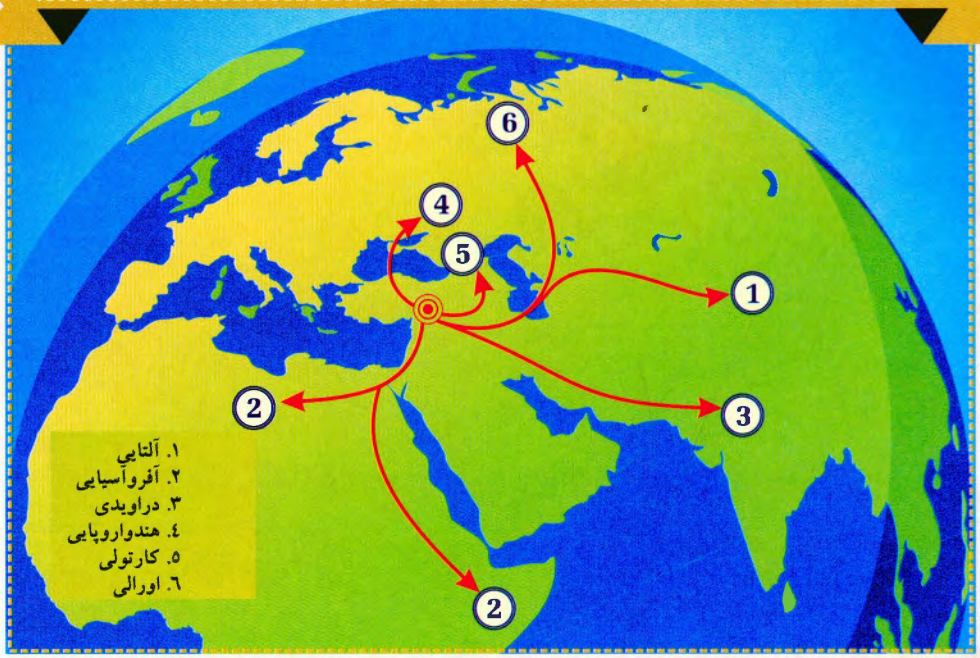

در آینده بر پایه همین گروه‌ها، ملت‌های آلتایی، آفروآسیایی، دراویدی، هندواروپایی، اورالی و کارتولی شکل گرفتند. گروه بزرگی که از خاورمیانه از طریق آسیای غربی رهسپار شمال غرب شده بودند، وارد نقطه اتصال قاره‌های اروپا و آسیا شدند و این آغازی بود بر شروع خانواده زبانی امروزی که در ادبیات علمی با عنوان «هندواروپایی» معرفی می‌شود.

نقشه سکونت اقوام هندواروپایی

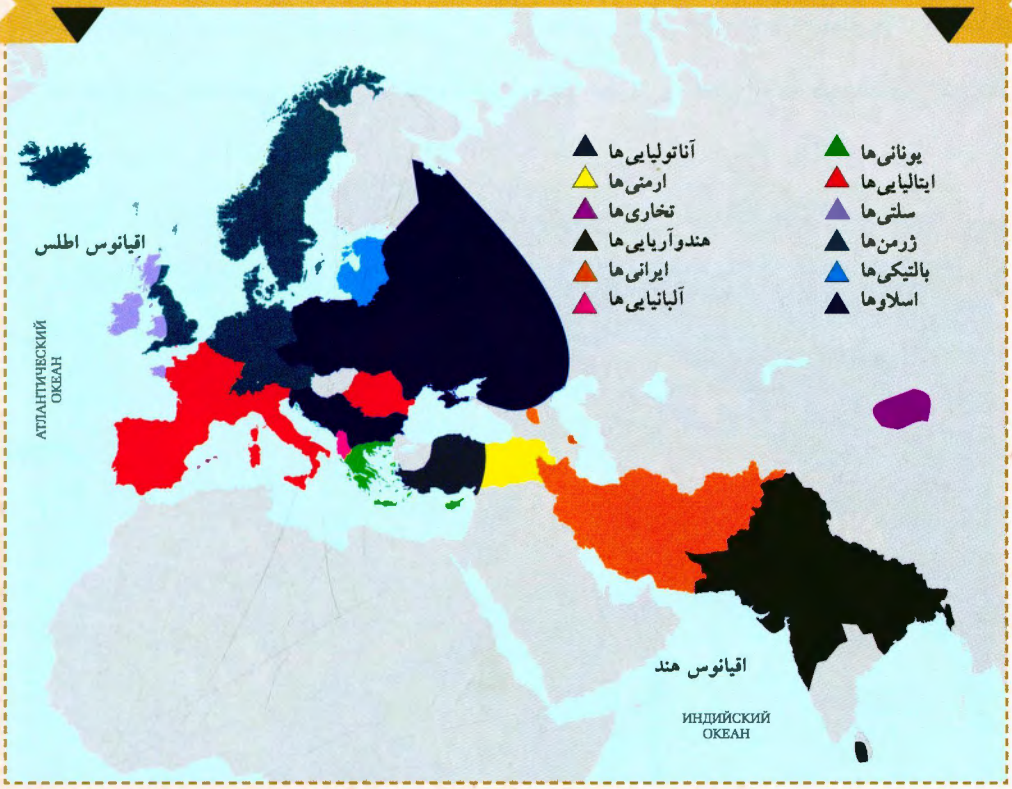

این نام خود موید این واقعیت است که ملت‌های پدید آمده از این جامعه هندواروپایی پیش از تاریخ، هزاران سال است که در سرزمین‌هایی وسیع از اقیانوس هند گرفته در شرق تا منتهی الیه اروپای غربی، تا اقیانوس اطلس، را در اختیار داشته‌اند. بذر اولیه ملت اوست که به یکی از زبان‌های هندواروپایی سخن می‌گوید در بستر همین اجتماع زبانی ـ فرهنگی چندین هزار سال قبل کاشته شده است.

زبان‌هایی نظیر زبان آناتولیایی که در حاضر از بین رفته و دو ـ سه هزارسال قبل از میلاد مسیح در آناتولی (ترکیه امروزی و سوریه) مورد استفاده قرار می‌گرفت، جزیی از زبان‌های هندواروپایی بود و با زبان اوستی هم‌خانواده محسوب می‌شد. زبان تخاری که در آسیای داخلی رایج بود نیز یکی دیگر از زبان‌های این خانواده از زبان‌های هندواروپایی است که از میان رفته و جزو زبان‌های مرده محسوب می‌شود. زبان‌های زنده خانواده هندواروپایی در چند گروه جای گرفته‌اند: بالتیکی، ژرمنی، هندوآریایی، سلتی، اسلاوی و رومی. سه زبان هم به‌صورت مجزا گروه‌های خاصی را تشکیل می‌دهند: آلبانیایی، ارمنی و یونانی.

بار دیگر ضرورت دارد تا در ارتباط با تاریخچه پیدایش ملت اوست به‌صورت مبسوط زبان‌های هندوایرانیِ خانواده هندواروپایی که آریایی هم نامیده می‌شوند، مورد بررسی قرار گیرند. این گروه بزرگ‌ترین گروه در ساختار زبان‌های هندواروپایی است که به‌صورت یک کل واحد تا قرن دوم و سوم پیش از میلاد مسیح یا تا نیمه اول قرن دوم پیش از میلاد یعنی زمانی‌که به دو گروه هندی (هندوآریایی) و ایرانی تقسیم شد، وجود داشته‌اند. احتمالا، قبایل هندوآریایی اولین گروه آریایی‌ها بودند که از مرزهای سرزمین‌های اولیه خود به سمت جنوب شرقی اروپا حرکت کردند. قسمت اعظم آنها در مسیر حرکت به سمت جنوب شرقی، بعد از مدتی به آسیای غربی رسیدند و بعد هندوستان، جایی‌که از بین فرم‌های اولیه زبان‌های کلی هندواروپایی زبان‌های هندوآریایی باستانی از جمله زبان سانسکریت به‌منزله یکی از قدیمی‌ترین زبان‌های مکتوب ثبت شده توسعه پیدا کردند. امروزه در زیرگروه هندوآریایی، ده‌ها زبان ادبی و شمار زیادی لهجه‌ها و زبان‌های بدون خط قرار گرفته است.

گروه هندوآریایی در این میان بسیار جالب توجه است. چرا که زبان‌های این گروه در واقع پســرعموهای زبان اوستی هستند. بخش دوم زبان‌های آریایی که در گروه زبان‌های ایرانی جمع شــده‌اند هم جزو زبان‌های هم‌خانواده زبان اوستی محسوب می‌شوند. نیاکان آنها، آریایی‌هایی بودند که بعد از حرکت به سمت جنوب شرق برای مدتی در مکان‌هایی که برای هزاران ســال در اروپای جنوب شرقی محل زندگی آنها بود، باقی ماندند. اما در اواســط هزاره دوم قبل از میلاد، بخش بزرگی از آنها دشــت‌های اروپای جنوب شــرقی را ترک کردند و رهســپار آســیای مرکزی شــدند. یک گروه از آنها تا فلات ایران رفتند، جایی‌که آنها توانســتند ابرقدرت‌های ایرانی‌زبان ماد و پارس را تاسیس کنند. بخش دیگر آنها، سرزمین‌های وسیعی از هفت‌آب تا چین را تصرف کردند و حکومت‌هایی مانند سغد، خوارزم، باختر و... را تاســیس کردند. معمولاً به این جمعیت ایرانی‌زبان عنوان سکایی ـ ماساژتی یا آسیایی ـ اسکیفی گفته می‌شود. آن دسته از قبایل ایرانی‌زبانی که در همان دوره به زندگی خود در دشت‌های جنوب روسیه ادامه دادند در منابع علمی با عنوان اسکیف‌ها یا اسکیف‌های اروپایی شناخته می‌شوند.

زبان‌های فارسی باستان در الواح میخی شاهان هخامنشی، زبان اوستا در کتاب مقدس زرتشــتی‌ها، زبان مادی و اســکیفی هم به زبان‌های ایرانی باسُــتان تعلق دارند. هر کدام از آنها در نهایت «نوادگان» خود را داشــته‌اند. زبان‌های ایرانی میانه شــامل فارسی میانه، خوارزمی، اشکانی، باختری، سغدی، سکایی، سرمتی و آلانی است. زبان‌های فارسی، دری و لهجه‌های فارسی ـ تاجیکی افغانستان، پشتو (افغانی)، کردی، تاجیکی، لری و لهجه‌های بختیاری، بلوچی، تاتی، تالشی، گیلکی، مازندرانی، گویش‌های فارسی، مونجانی، ارموری، پَراچی، یغنابی و همچنین زبان‌های پامیری (شــغنانی، روشنی، برتنگی، اَرشری، سریکالی (سرقلی)، یزغلامی، اشکشمی و وخانی جزو زبان‌های ایرانی معاصر هستند.

نقشه سکونت اقوام ایرانی

زبان اوســـتی دقیقاً یکی از اعضای همین گروه از خانواده زبان‌های هندواروپایی است و در نســـل اول با سایر زبان‌های آریایی یعنی زبان‌های ایرانی و هندوآریایی و در دومین هم‌خانوادگی خود با زبان‌های اسلاوی، ژرمنی، رومی، سلتی و سایر زبان‌های هندواروپایی شباهت دارد.

دوره اسکیف ـ آسی

همانگونه که پیشـــتر گفتیم در اواســـط هزاره اول پیش از میلاد، بخش وسیعی از اروپای شرقی و آسیای داخلی تا استان‌های جنوب شرقی که به هند و سین‌کیانگ منتهی می‌شدند و شـــامل کوهپایه‌های پامیر و تیان‌شان غربی نیز می‌شدند محل سکونت قبایل اسکیف ـ سکایی بود. در مناطق حاشیه‌ای این سرزمین، شمال‌غربی (اسکیف اروپایی) و در جنوب شـــرقی (سکایی ترکستانی) فرایند توسعه زبان اســـکیفی در دو لهجه به صورت همزمان آغاز شـــده بود: اسکیفی (اروپایی) و آسی (سرمتی ـ پروتو آلانی). این صورت‌های زبانی با گذشـــت زمان بار دیگر در هم ادغام شـــدند و بنیان زبان اوستی باستانی را شکل دادند. اما تا این مرحله، ما باید روند توسعه آن‌ها را به صورت مجزا مورد بررسی قرار دهیم.